



نقد و بررسی کتاب «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی»

رضا صفری*

اشاره

امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، حاصل پانزده سال مطالعه مایکل کوک محقق نام آور آمریکایی درباره یکی از فرائض اسلامی و دقیق ترین اثر به زبان غربی در این زمینه است.

این کتاب با عنوان انگلیسی «Commanding Right and Forbidding Wrong in Islamic Thought» در سال ۲۰۰۰ چاپ شده است که در نوع خود بزرگ ترین اثر فقهی - تاریخی است که تا کنون یک شرق شناس در یک موضوع فقهی خاص نگاشته است. نویسنده با تتبعی گسترده در این مبحث، تلاش کرده است ابعاد اعتقادی، کلامی، اجتماعی، فقهی و اخلاقی امر به معروف و نهی از منکر را از دیدگاه مذاهب و گرایش های مختلف اسلامی از سده های آغازین تا دوران معاصر بر اساس متون اصلی شناخته شده گزارش و بررسی کند. وی بخش بسیار مختصری را به آرای اندیشمندان غیرمسلمان مانند ابن میمون و ابن عبری اختصاص داده است.

کتاب در بیست فصل و در پنج بخش اصلی، با عناوین زیر تدوین شده است: بخش اول: مقدمه، بخش دوم: حنبلیان، بخش سوم: معتزلیان و شیعیان، بخش چهارم: دیگر فرقه های اسلامی، بخش پنجم: فراسوی اسلام سستی. نویسنده در ادامه، دو پیوست آورده است که پیوست اول درباره آیات و احادیث مهم امر به معروف و نهی از منکر است که خود نویسنده

امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، مایکل کوک، ترجمه احمد نمایی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ یکم، ۱۳۸۴ ش.

در متن کتاب از آنها استفاده کرده است و پیوست دوم به نظر ابن عبری درباره نهی از منکر پرداخته است.

در نهایت، نویسنده با ارائه کتاب شناسی گسترده و نمایه، پژوهش خود را به پایان رسانده است. در این مقاله تلاش خواهیم کرد به بررسی زندگی و آثار مایکل کوک، انگیزه نگارش کتاب و ساختار آن پردازیم و گزارشی از محتوای کتاب به همراه نقد و ارزیابی آن به دست دهیم.

زندگی و آثار علمی مایکل کوک

مایکل آلن کوک در سال ۱۹۴۰ چشم به جهان گشود. او دارای تابعیت انگلیسی - آمریکایی است و تحصیلات خود را از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۳ در انگلستان پی گرفت. مدرک کارشناسی ارشدش را با راهنمایی برنارد لوئیس با پژوهش و نگارش درباره تاریخ جمعیت عثمانی در سده های پانزدهم و شانزدهم میلادی به انجام رساند. وی علاوه بر زبان های رسمی اروپایی و عربی،

* دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه تهران.

مواردی که باید آن را به کار برد و شرایطی که می توان این وظیفه را ترك كرد، نپرداخته است. مؤلف اعتراف می كند: خود در این مورد چیزی نمی دانسته تا اینکه در جریان پژوهش های اسلامی خود، از آن آگاه شده، دریافته است اسلام نام و تعالیمی ویژه برای چنین وظیفه ای دارد. این حادثه جرقه ای بود برای اینکه وی این فریضه را موضوع تحقیق و تک نگاری معروف خود قرار دهد.

از آن جایی که در جامعه اسلامی، از این فریضه برداشت های مختلفی وجود دارد و نیز در باب مراتب و شرایط و جایگاه آن در میان مکاتب گوناگون کلامی و فقهی، تفاوت های قابل ملاحظه ای دیده می شود، وی نمی توانست خود را به یک گزارش و تفسیر از این نهاد قانع کند؛ از این رو اثر وی به صورتی درآمد که از نظر حجم و گستره تحقیق، بی رقیب است. نویسنده در این اثر علاوه بر آنکه سعی می کند دیدگاه اسلام و برداشت مسلمانان درباره این نهاد و تحول آن را نشان دهد، تلاش می کند نشان دهد اسلام چگونه به این نهاد دست یافت و آیا می توان معادلی برای آن در سایر ادیان یافت یا خیر؟

بخش یکم: مقدمه

بخش نخست کتاب، به بررسی مواد یافت شده در قرآن، تفسیرهای قرآنی، حدیث و کتاب های رجال در شرح احوال مسلمانان قدیم می پردازد. نویسنده در این بخش، قرآن و تفسیرهای قرآنی را در دو قسمت مورد بررسی قرار داده است: در قسمت اول، «قرآن بدون مفسران» مورد نظر قرار گرفته و هشت آیه^۱ که به نوعی در ارتباط با امر به معروف و نهی از منکر می باشد، معرفی و مفاد آن بیان می شود. در قسمت دوم به تشریح دیدگاه تفسیری مفسران درباره آیات مطرح شده می پردازد و در نهایت نتیجه می گیرد: «برداشت کلی مفسران از این وظیفه و تفسیری که به دست می دهند، با خود آیات و آنچه مسقیماً از آن به دست می آید، پیوندی ندارد؛ چرا که قاعداً مفسران مایلند اعتقادات نهی از منکر را در قالب مذهبی که بدان وابسته اند، بیان کنند؛ نه آنچه در قرآن آمده است».

اگر آیه های قرآنی به نسبت آگاهی کمی درباره نهی از منکر به ما می دهد و تکاپوی مفسران از کتاب آسمانی برگرفته از درك و برداشتی از نهی از منکر است که نمی تواند مستقیم از خود آیه های

زبان های فارسی و ترکی را نیز فراگرفت. چندسالی را در مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی لندن سرگرم تحقیق و تدریس تاریخ اسلام بود. در سال ۱۹۸۶ به قصد تدریس در دانشگاه پرینستون^۱ امریکا، انگلستان را ترك كرد و در حال حاضر استاد دانشگاه پرینستون است.

كوك به دلیل وسعت مطالعات و دانش زبانی و احاطه به منابع اسلامی جدید و قدیم، در میان محققان به عنوان یک اسلام شناس طراز اول شناخته می شود. از جمله آثار وی می توان به تاریخ عثمانی (۱۹۷۲)، درآمدی بر قرآن، مخالفان نگارش حدیث در آغاز اسلام، ریشه های کلام و ده ها عنوان کتاب و مقاله دیگر اشاره کرد؛ با این حال کتاب امر به معروف و نهی از منکر مهم ترین اثر وی است که پانزده سال زمان برای آن صرف کرده و برای نگارش آن، بیش از دو هزار کتاب و مقاله به زبان های مختلف را دیده است که حاصل کار او کتابی در حجم ۷۰۰ صفحه شده است که ۵۶ صفحه آن را کتابنامه تشکیل می دهد و برای اولین بار در سال ۲۰۰۰ منتشر گشته است.

انگیزه نگارش

مایکل كوك در آغاز مقدمه کتابش، حادثه تکان دهنده ای را نقل می کند که باعث نگارش این کتاب و معرفی نهاد امر به معروف و نهی از منکر، به جامعه غربی شده است. حادثه از این قرار بود: كوك در یکی از روزهای ماه سپتامبر ۱۹۸۸ در روزنامه ای می خواند^۲ که در ایستگاه قطار شهری شیکاگو زنی مورد تجاوز قرار می گیرد؛ در حالی که آن زن از مردم کمک می خواهد، همه عابران بی توجه از کنار این صحنه رد می شوند. از میان ناظران تنها یک نفر برای دستگیری مجرم با پلیس همکاری می کند. آنچه در این حادثه مهم است، نه اصل تجاوز، بلکه عکس العمل رهگذران است.

نویسنده کتاب، پس از خواندن این خبر می اندیشد: «ما به نوعی وظیفه داریم دیگران را از ارتکاب کارهای ناپسند به هموعان خود بازداریم»، اما به این نتیجه می رسد که در دنیای غرب، نامی برای این وظیفه وجود ندارد و تعبیر «امداد» هم از بیان آن نارسا است؛ ضمن آنکه فرهنگ غرب به تدوین کلی

1. Princeton.

2. The New York Times, 25 September 1988.

۳. آیات ۱۰۴ و ۱۱۰-۱۱۴ آل عمران؛ ۱۵۷ اعراف؛ ۱۱۲-۷۱ توبه؛ ۴۱ حج و ۱۷ لقمان.

گرفته شده باشد، با این حال مواد گرفته شده از حدیث جالب تر است. از میان احادیث مورد توجه كوك، یک حدیث کوفی است که با اشاره به سلسله مراتب واکنش در برابر نهی از منکر، وی آن را حدیث «سه مرحله‌ای» نامگذاری می‌کند^۴ و آن را حدیث کلیدی برای فهم این فریضه در میان جامعه اسلامی می‌داند.

در میان احادیث کشیری که دلالت به نهی از منکر دارند، احادیثی هم برخلاف این مقوله وجود دارند که برای درک این تعارض باید به خاستگاه جغرافیای آنها توجه کرد احادیثی که منشأ کوفی دارند و رایان آن در کوفه بوده‌اند، بر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر تأکید کرده‌اند؛ در حالی که زادگاه احادیثی که این تکلیف را کم‌رنگ می‌کنند یا از اهمیت آن می‌کاهند، عمدتاً شامی می‌باشند. نویسنده در آخرین فصل این بخش، به بررسی انبوهی از سیره‌نامه‌های اولیه مسلمانان و کتاب‌های گذشتگان که درباره شرح حال آمران به معروف و نهی از منکر نوشته شده‌اند، می‌پردازد و نگرش آنان را به مسئله، تحلیل می‌کند.

بخش دوم: حنبلیان

کتاب‌های اولیه حنبلیان درباره امر به معروف و نهی از منکر، به جای طرح و بحث نظری مسائل این حوزه، شامل پرسش و پاسخ و استفتاهای ناظر به وظایف آمران به معروف و ناهیان از منکر است. نمونه خوبی از این نگرش، در کتابی که ابوبکر خلال (۳۱۱ ق) از استفتاهای ابن حنبل گردآوری کرده است و الامر بالمعروف والنهی عن المنکر نام دارد، به خوبی منعکس شده است. كوك در این بخش با تحلیل متن‌های اولیه حنبلیان، می‌کوشد بر اساس سه پرسش، دیدگاه آنان را درباره امر به معروف و نهی از منکر ترسیم کند: بیشتر با چه گناهمانی روبرو هستیم؟ در چه موقعیتی با آنها برخورد می‌کنیم؟ در قبال آنها چه باید کرد؟

كوك پس از بحث و بررسی این مباحث، نتیجه می‌گیرد: از دیدگاه حنبلیان، عمده منکرات، سه موضوع زن، شراب و نوازندگی است. آنها نهی از منکر را بیشتر امری فردی و شخصی می‌دانند و تمایلی برای حضور در فعالیت‌های اجتماعی و مبارزه با فساد در اجتماع ندارند و در این میان سخنی از آنها درباره حکومت و مبارزه با فسادهای آن نیست؛ اما به مرور، اندیشه اولیه ابن حنبل دچار تغییرهای بنیادین می‌شود؛ چرا که آموزه‌های این مکتب با تحولات سیاسی مرتبط می‌گردد نویسنده نیز نمونه‌هایی از این تغییر و تحول را در بحث حنبلیان بغداد می‌آورد؛ از جمله اینکه: حنبلیان بغداد برخلاف ابن

حنبل، در تاریخ معاصر خود نقشی فعال ایفا می‌کنند و حضورشان در مسائل سیاسی و مخالفت با منکرات تعیین‌کننده می‌گردد. در ادامه كوك به دو جابه‌جایی عمده جغرافیای در تاریخ حنبلیان می‌پردازد: نخست، جابجایی پایتخت حنبلی از بغداد به دمشق، دوم، برپایی مکتب حنبلی در عربستان در آغاز سده نهم، به گونه‌ای که با شکل‌گیری اولین دولت سعودی (۱۱۵۸-۱۲۳۳ ق) امر به معروف و نهی از منکر هسته مرکزی اندیشه و کردار وهابیت شد.

سرانجام با تحولات تاریخی که برای دولت سعودی به وجود آمد، منجر به افزایش رسمی‌سازی این وظیفه شد؛ به گونه‌ای که آموزه غیرسیاسی و فردی نهی از منکر ارائه شده از سوی ابن حنبل در زمان سومین دولت سعودی (۱۳۱۹ ق) به یک وظیفه و تکلیف اداری که به وسیله‌های کمیته‌های امر به معروف و نهی از منکر به سرپرستی یک مدیر بلندمرتبه وزارتی اداره می‌شد، کاهش یافت و این وظیفه به امری دولتی تبدیل گشت.

بخش سوم: معتزلیان و شیعیان

معتزلیان: در حالی که حنبلیان واقع‌گرا و اهل ظاهر بودند، معتزلیان دلبسته امور انتزاعی و نظام بخشی به ایده‌های خود بودند. نویسنده در این فصل باورهای اولیه اعتزالی را بیان می‌دارد و نهی از منکر را یکی از «اصول خمسسه» معروف معتزلیان می‌داند و بیان می‌دارد: علمای معاصر نسبت به قدمت این اصل اتفاق نظر ندارد؛ آن‌گاه نویسنده به تشریح آرای بزرگان کهن معتزلی از جمله مانکدیم (۱۴۴د) درباره امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد و دیدگاه وی را در مورد تعریف، وجوب، شرایط، سلسله مراتب انواع منکر و اقدام عملی بیان می‌دارد. نویسنده در پایان این بحث، به بیان دو ویژگی کلی معتزله درباره امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد: ۱- ما از دوره مانکدیم زیدی علوی شاهد آثاری روشن و اساسی درباره

۴. قال رسول الله (ص): «من رأى منكم منكراً فلينبهه بيده فإن لم يستطع فبلسانه فإن لم يستطع فبقلبه ليس وراء ذلك شيء من الأيمان»: هر کس از شما عمل زشتی را ببیند، باید با دستش از آن باز دارد. پس اگر قدرت نداشت، با زبانش و اگر قدرت نداشت، با قلبش. ایمان به غیر از این نمی‌باشد (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۹۲، ص ۷).

وی پس از تحلیل محتوای احادیث شیعه، نتیجه می‌گیرد: عملگرایی جای ویژه‌ای در احادیث امامیه ندارد؛ آن‌گاه در دوره سوم امامیه به بحث و بررسی مسائلی از قبیل: عقلی یا نقلی بودن امر به معروف و نهی از منکر، نیاز داشتن به اذن امام در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر منجر به خشونت شود و به بحث وجوب کفای یا عینی امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد. در پایان این فصل هم گریزی به اسماعیلیه زده، بیان داشته است: این وظیفه جایگاه خاصی در بین آنان ندارد.

بخش چهارم: حنفیان

حنفیان، قدیمی‌ترین مذهب فقهی اهل سنت بودند، اما برخلاف حنبلیان، هویت کلامی آنان به‌کندی شکل گرفته است؛ البته ابوحنیفه در مسائل کلامی دارای نظریه‌هایی بود که بعدها در بین حنفیان سمرقند به «ما تریدیه» شهرت یافت؛ بنابراین آگاهی کواکب از آرای مربوط به نهی از منکر بر اساس میراث «ما تریدیه» است و از میراث حنفیان اهل حدیث و نجاریه خبری نیست.

کواکب نخست وضع فکری آنان را تا قبل از دولت عثمانی بررسی می‌کند و نشان می‌دهد نهی از منکر یکی از اصول اعتقادی ابوحنیفه است؛ سپس به بررسی آرای شارحان دوران عثمانی می‌پردازد که سخت متأثر از غزالی هستند. با مرور تفصیلی ادبیات حنفی درباره امر به معروف و نهی از منکر، کواکب به دو نتیجه می‌رسد: نخست: ما در کتاب‌های کلامی مخصوصاً فقهی با کمبود منابع روبرو هستیم و آنچه وجود دارد، از نظر محتوای عقیدتی مبهم است؛ دوم: دیدگاه حنفی نگاه آسان‌گیرانه به مسئله نهی از منکر است.

شافعیان

موضوع اصلی این فصل، آرای است که شافعیان درباره نهی از منکر معتبر می‌دانند؛ بدون اشاره به اینکه چنین آرای به طور کلی شافعی یا در اصل آرای اشعری است. کواکب معتقد است: قدیمی‌ترین آگاهی درباره این وظیفه، مربوط به سده چهارم از ابوبکر قفال شاشی (د ۳۶۵) است که تفسیری بر آیه ۱۱۰ آل عمران دارد. وی به شدت عمل‌گرا است؛ در حالی که شاگرد وی، ابوعبدالله حلیمی (د ۴۰۳) نظری برخلاف استادش دارد و آسان‌گیری حنفی را که در بین حنفیان دیدیم، از خود حنفی‌ها بهتر معرفی می‌کند. نتیجه اینکه: در بین نویسندگان شافعی، عقیده هماهنگی در خصوص این وظیفه نمی‌بینیم؛ به ویژه از نظر میزان فعالیت که افراد برای انجام آن مجاز هستند، اختلاف نظر دارند.

نهی از منکر هستیم؛ ۲- آنچه در نظر کواکب خود را برجسته نموده، این مسئله است که روایت‌های معتزله در این باره عملگرایی است که در همه مراتب خود را نشان می‌دهد.

زیدیه

نویسنده در این قسمت، ضمن بیان نقاط مشترک زیدیه با شیعیان، مانند گزینش کلام معتزلی، بر این عقیده است که آنان با هم تفاوت‌های اساسی نیز داشتند؛ از جمله: «در حالی که زیدیه عمل‌گرا بودند، امامیه به تسلیم و رضا گرایش داشتند».

از بحث مفصل کواکب در این فرقه می‌توان نتیجه گرفت: تمام مطالب زیدی، خواه معتزلی یا غیرمعتزلی، متشکل از دو موضوع است: اولی نبودن نظریه ادای این وظیفه در دل است و دیگری تأیید توسل به اسلام در هنگام ضرورت؛ توسل جستنی که بدون هیچ دردسری دمساز با سنت دیرینه زیدیه برای قیام علیه سلطان ستمگر بوده است. هر دو مورد موافق با سنت زیدیه و معتزله است؛ اما تاریخ دوران بعدی زیدی یمن با دو پدیده هم‌عرض، کاهش سنت معتزلی و نفوذ سنت‌گرایی اهل سنت در این فرقه مشخص می‌شود؛ در نتیجه درک زیدیه از نهی از منکر به صورت فزاینده‌ای مجذوب اندیشه مسلمانان اهل سنت گردید و مشخص‌تر از همه، عقیده به انجام دادن آن در دل، بیش از پیش معمول شد. سرانجام سرپیچی از قیام علیه سلطان ستمگر، جای آن را گرفت.

امامیه

کواکب بر این عقیده است که «شیعه امامیه غنی‌ترین و مستمرترین اسناد درباره عقیده امر به معروف و نهی از منکر را از خود بر جای گذاشته‌اند؛ هر چند کتاب‌های اولیه امامیه به فراوانی مجموعه حدیث اهل سنت یا کتاب‌های فقهی حنفیان در یک عصر واحد نیست، اما بسیار بیشتر از اسناد ناپوسته و ناقص معتزله و زیدیه است». وی تاریخ امامیه را از این منظر به سه دوره تقسیم می‌کند: دوره اول، شامل دوران حضور امامان شیعه است؛ دوره دوم، از قرن چهارم شروع می‌شود و تا قرن هشتم را در بر می‌گیرد و دوره سوم از قرن هشتم تا حال حاضر ادامه دارد.

مالکیان

كوك پس از بررسی منابع گسترده مالکیان درباره امر به معروف و نهی از منکر، اظهار می کند: در حالی که مالکیان نخستین نهی از منکر را یک امر ضروری می دانند، در بین مالکیان متأخر درباره نهی از منکر جریان عقیدتی واحدی وجود ندارد.

اباضیه

از بین فرقه های خوارج، اباضیه، تنها گروهی از خوارج هستند که بر اساس نوشته های خودشان می توان به بررسی روشمند عقاید آنها پرداخت. پیوند نهی از منکر و قدرت سیاسی در منابع اباضیه به خوبی دیده می شود. در بین این فرقه این وظیفه با تشکیل حکومت های فرقه ای و با خروج بر سلطان ستمگر و به کار بستن قدرت مشروع امام همراه است و ارتباط با امامت، اغلب مورد تأیید قرار می گیرد. در کل این فرضیه نزد اباضیه با دیگر جریان های اسلامی جز توجه به نقش زنان در اجرای آن تفاوتی ندارد.

غزالی

غزالی شافعی مذهب در کتاب خود احیاء العلوم الدین و در خلاصه ای از ترجمه آن به نام کیمیای سعادت به خوبی به شرح این وظیفه پرداخته است که به صورت گسترده مورد قبول و نقد هم کیشان خود و یا پیروان مذاهب دیگر قرار گرفته است. غزالی در این کتاب، پس از بیان اهمیت و وجوب این فریضه، ارکان چهارگانه آن، یعنی محتسب، منکر، گناهکار و چگونگی احتساب را شرح می دهد. در ادامه، كوك به گزارش میراث غزالی و تأثیر او بر آیندگان می پردازد. این گزارش نشان می دهد چطور دانشمندان گاه با نقل جزئی و گاه با بیان همه آرای غزالی، به نام و بدون نام او سخت متأثر از او بودند.

بازنگری اسلام نخستین

كوك در واپسین بخش چهارم کتاب، کوششی بسزای برای متمرکز ساختن و شرح و تفصیل مطالبی که در شانزده فصل پیشین مطرح شده است، انجام می دهد؛ علاوه بر این نویسنده در این فصل به تشریح سه مسئله هم پرداخته است: ۱- رابطه علما و حکومت؛ ۲- زن و نهی از منکر؛ ۳- رابطه نهی از منکر و زندگی خصوصی. در باب مسئله اخیر، نویسنده متذکر می شود: این دو ارزش متفاوت است، در حالی که جلوگیری از منکر کار شایسته ای است، دخالت در زندگی خصوصی کار ناپسندی است. وی بعد از بیان دیدگاه های فرقه های مختلف در این باره، می گوید: مرز مشخصی بین این دو وجود ندارد.

بخش پنجم: فراسوی اسلام سنتی

نویسنده در این فصل، به صورت بسیار مفصل در پی معرفی و ارزیابی رویکردهای نوگرایانه به امر به معروف و نهی از منکر در میان مذاهب مختلف اسلامی است. كوك معتقد است: میراث اهل سنت و امامیه از نظر محتوا و خصوصیات در موارد بسیاری متفاوت است: در مقایسه بین این دو سنت مدرسی باید گفت: به عکس اهل سنت، سنت مدرسی امامیه را می توان سنتی زنده توصیف کرد که استمرار آن مدیون علمایی است که در آن کار کرده اند.

سرچشمه ها و سنجش ها

در این فصل، نویسنده با ارائه مثال هایی شبیه نهی از منکر در قوانین اروپایی و آیین ها و فرقه های دیگری چون کنفوسیوس، بودا و ... این سؤال را مطرح می کند که آیا این فرضیه یک ارزش است که در تمام فرهنگ ها ریشه دارد یا صرفاً یک ارزش اسلامی است. وی معتقد است: این اصل یا چیزی شبیه به آن به همه فرهنگ های بشری راه یافته است (هرچند لزوماً به روشنی بیان نشده است). كوك نتیجه می گیرد: جاهلیت عربستان پیش از اسلام، به خوبی با اصطلاح های «امر به معروف» و «نهی از منکر» آشنا بود؛ ولی مفهوم های «فرمان دادن» و «نهی کردن» را دارا نبوده است؛ سپس مقایسه اسلامی این تکلیف با دین یهودی و مسیحی نشان می دهد در مسیحیت سربانی پیش از اسلام، چیزی قابل مقایسه با آن وجود ندارد؛ ولی پیشینه یهودی برای این وظیفه اسلامی کاملاً پذیرفتنی است.

كوك به هنگام مقایسه این تکلیف اسلامی با آیین های غیر توحیدی، چیزی که ارزش نمونه آوردن در وادها و آیین زردشتی باشد، ندیده است. كوك در پایان این بحث یادآور می شود: همانندی های ادیان، تأیید این مطلب است که بین آموزه نهی از منکر در بین ادیان پیوند برقرار است، اما این همانندها ما را راهنمایی نمی کند که چگونه این پیوندها را بررسی کنیم. در نتیجه باید از مسئله سرچشمه ها بدون نتیجه گیری بگذریم.

خاتمه

كوك آخرین فصل کتابش را با شناخت بعضی راه های اصلی که نگرش های وابسته به نهی از منکر در اسلام با جریان کلی فرهنگ امروز غرب و وجه اشتراک یا افتراق دارد، به پایان برده، آن را در دو مسئله بررسی می کند: ۱- معروف و منکرها: كوك بر این عقیده است که برداشت های اسلام و غرب در حوزه معروف و منکرها متفاوت است و عمده این تفاوت در سه مسئله شراب، زن، موسیقی است؛ ۲- امداد و نهی از منکر: كوك معتقد است

امداد و نهی از منکر هر چند از نظر مفهوم متفاوتند، به اندازه کافی همخوانی دارند که در کل با هم سنجیده شوند؛ ولی با این حال نتیجه می‌گیرد این وظیفه در اسلام بسیار مهم‌تر از مقیاس و امداد در فرهنگ غرب است.

تحلیل نهایی

نوشتن درباره این کتاب و ارزیابی کار نویسنده، در چندین سطر بسیار سخت و دشوار است؛ کاری که مؤلف برای نگارش آن سالیان زیادی وقت صرف کرده است؛ اما با این حال، به نکاتی چند اشاره می‌شود: کوک در نگارش کتابش یک روش توصیفی-تحلیلی را پایه و اساس قرار داده است؛ چرا که ایشان در بحث از هر نحله و فرقه‌ای مذهبی، تمامی داده‌های مربوط به هر کدام را به طور کامل آورده و نیز در هر بخش از کتابش، دو نکته اساسی را مدنظر قرار داده است: اولاً، وی در بررسی هر کدام از نحل و فرق مذهبی از همان ابتدا از مصادر و منابع کهن تا بدان جا که ممکن بوده، بهره برده است؛ ثانیاً، وی افزون بر دیدگاه‌ها نوعی تطور تاریخی مربوط به هر نحله مذهبی را هم از لحاظ فکری و هم عملی، یعنی در حقیقت درگیر شدن در واقعیت جامعه را مدنظر قرار داده است؛ یعنی در واقع مایکل کوک با هنرمندی تمام و با به تصویر کشیدن سیر کلی و تطور تاریخی تفکر و اندیشه متفکران اسلامی، این امر را در برهه‌های مختلف زمانی مورد بررسی قرار داده است.

امتیازات کلی کتاب

الف) در نگاه اول، مهم‌ترین ویژگی این کتاب تعمق فراوان در منابع است. نویسنده برای نگارش، از تمام منابعی که می‌توانست بحث وی را پیش برد، استفاده کرده است؛ از یک روزنامه که شروعی برای این کار بوده تا جستجو در وادها، و اندرزنانه‌های زردشتی و منابع مسیحی سریانی؛ کار او برای سنجش سرچشمه‌های امر به معروف و نهی از منکر در ادیان و آیین‌ها و استفاده از این منابع بسیار دقیق، بجای و استادانه بوده است.

ب) امانتداری: نویسنده در بررسی منابع و متون برای بیان بررسی دیدگاه فرق اسلامی درباره موضوع مورد مطالعه، از هر گونه جعل و تحریف منابع خودداری کرده، بیطرفانه موضوع را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده است.

ج) قضاوت: از آنجایی که وی به منابع آشنا بوده است و از موقعیت تاریخی آنها باخبر است، لذا با دیدن یک خبر در یک منبع اصیل، آن را بی‌درنگ قبول نمی‌کند؛ برای مثال در بحث امامیه، هنگامی که به این نتیجه می‌رسد که یک حدیث از امام

محمدباقر(ع) دلالت به عملگرایی شیعه دارد، با بیان دلایلی آن را رد می‌کند.

د) مؤلف در این اثر، صرفاً به جمع‌آوری داده نپرداخته است، بلکه مواد جمع‌آوری شده را در راستای هدفی خاص مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده است.

ی) ارجاعات: یکی از ویژگی‌های مهم این اثر، دارا بودن ارجاعات فراوان است؛ به گونه‌ای که هیچ ادعایی بدون دلیل و ارجاع لازم مطرح نمی‌شود.

ه) از دیگر مزایای این کتاب، این است که نویسنده علاوه بر زبان‌های اروپایی به زبان‌های عربی، فارسی، ترکی نیز آشنایی داشته است؛ لذا شخصاً منابع اصلی را مورد استفاده قرار داده است.

این اثر سترگ، با دارا بودن این ویژگی‌ها و ده‌ها مورد دیگر، ممکن است از جهاتی خواننده را آزار دهد یا اینکه مواردی در آن نادیده گرفته شده باشد که به چند مورد اشاره می‌شود؛ ولی این ملاحظات را نباید هرگز نقض چنین کتاب ارزشمندی دانست:

الف) نادیده گرفتن قیام امام حسین(ع): با اینکه قیام امام حسین(ع) در عاشورا محور تفکر شیعی است و متفکران زیادی بر نقش امر به معروف و نهی از منکر در قیام وی تأکید می‌کنند و این قیام را از منظر امر به معروف و نهی از منکر تحلیل کرده‌اند،^۵ ولی کوک چندان توجهی بدان نشان نداده است.

ب) گاه نویسنده در بیان مطالب، چنان غرق جزئیات تاریخی می‌شود که خواننده سررشته بحث را از دست می‌دهد؛ برای مثال این مسئله در داستان زرگر مرو و منابع آن و مسائلی از این دست دیده می‌شود. در تمام مباحث از این دست، منابع و ارجاعات لازم داده می‌شود؛ ولی مسئله آن است که گویی برای وی میان مباحث اصلی که تکیه‌گاه کتاب هستند و مسائل مقدماتی، تفاوتی وجود ندارد.

در پایان گفتنی است ترجمه این کتاب توسط احمد نهایی بسیار روان و سلیس می‌باشد؛ بنابراین مطالعه این اثر برای تمامی اندیشمندان و استادان دل‌بسته به اندیشه اسلامی ضرورت می‌یابد؛ ضمن آنکه برای علاقه‌مندان به مباحث کلی اسلامی و حقوقی ... می‌تواند کتابی مفید و سودمند باشد.



۵. قال الحسين(ع): «إِنِّي لَمْ أُخْرَجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَأِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ إِلَّا صِلَاحٍ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ أُمَّرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ(ع): من از روی هوس و سرکشی و تبهکاری و ستمگری قیام نکردم، تنها به خاطر اصلاح در امت جدم برخاستم. می‌خواهم به نیکی‌ها فرمانم و از بدی‌ها باز دارم و روش جد خود و پدرم علی بن ابی طالب(ع) را دنبال کنم (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹).